بسم الله الرحمن الرحیم

# خلاصه گزارش تحلیلی سند 2030 ارائه شده توسط بسیج حقوقدانان

شماره سند: 2030\_0091

فهرست

[خلاصه گزارش تحلیلی سند 2030 ارائه شده توسط بسیج حقوقدانان 1](#_Toc487883833)

[اهداف اصلی توسعه پایدار 2](#_Toc487883834)

[الزام‎آوری 2](#_Toc487883835)

[متن حق تحفظ ایران 3](#_Toc487883836)

[نتیجه 3](#_Toc487883837)

[سوال 4](#_Toc487883838)

[پاسخ 4](#_Toc487883839)

[اشکال 4](#_Toc487883840)

[اشکال به تحفظ 4](#_Toc487883841)

[تجربه قبلی از تحفظ ناقص 4](#_Toc487883842)

[پیشنهاد 5](#_Toc487883843)

[اشکال 5](#_Toc487883844)

[نقش مجلس 5](#_Toc487883845)

[حق بر آموزش 6](#_Toc487883846)

[الف) اقدامات یونسکو در زمینه حق بر آموزش 6](#_Toc487883847)

[ب) الزامات حق بر آموزش از منظر یونسکو 6](#_Toc487883848)

[ج) حق بر آموزش در اسناد یونسکو و سند تحول بنیادین آموزش وپرورش 7](#_Toc487883849)

[مبانی و هدف آموزش 7](#_Toc487883850)

[جهانی سازی و جهانی شدن 9](#_Toc487883851)

[مفاهیم و نظرات؛ جهانی شدن، جهانی سازی 9](#_Toc487883852)

[یونسکو و جهانی سازی 11](#_Toc487883853)

[تهدیدهای جهانی سازی در حوزه فرهنگ 11](#_Toc487883854)

## اهداف اصلی توسعه پایدار

اهداف اصلی توسعه پایدار ازاین قرارند:

1. پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جهات
2. غذا و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی برای پایان دادن به گرسنگی
3. تحقق امنیت پایدار و تضمین یك زندگی توأم با مسالمت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین
4. تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصتهای یادگیری مادام العمر برای همه
5. دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
6. تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه

7- تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین

1. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره ور و اشتغال شرافتمندانه برای همه
2. ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی سازی پایدار و فراگیر، و ترویج نوآوری

10- کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها

1. تبدیل شهرها و سکونت گاه های انسانی به مکان های همه شمول، امن، مقاوم و پایدار
2. تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
3. اقدام عاجل برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن
4. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‎ها، دریاها، و منابع دریایی برای توسعه پایدار
5. پاسداشت، احیا و ترویج استفاده پایدار از بوم‎سازگان‎های زمینی، مدیریت پایدار جنگلها، مبارزه با بیابان‎زایی و توقف و معکوس روند تخریب یا فرسایش زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی
6. ترویج جوامع صلح‎جو و فراگیر برای توسعه پایدار

17- برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح

18- تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‎های جهانی برای تحقق توسعه پایدار

بیانیه 2030 مربوط به هدف چهارم این دستور کار یعنی **تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصتهای یادگیری مادامالعمر برای همه** است.

## الزام‎آوری

سطح تأثیرات این اسناد را الزام‎آوری آنها تعیین نمیکند؛ بلکه **موضوع، اهداف و سطح پیگیری** این اسناد در اثرگذاری آنها بسیار تعیین کننده است.

ماهیت این سند در بدو امر کنوانسیون، معاهده و قطعنامه یونسکو محسوب نمیگردد اما به دلیل اینکه یونسکو متولی شده است تا بر نحوه اجرای سند نظارت نماید ما میتوانیم آن را با دیگر اسناد یونسکو مقایسه نمائیم.

مطابق بند 4 ماده 4 اساسنامه یونسکو کشورهای عضو ملزم هستند توصیه‎نامه‎های این سازمان را به مقامات صالحه خود در کشور ارائه دهند، بنابراین ارائه‎ی توصیه‎نامه‎ها به نهاد یا مقامات صالحه در داخل تنها وظیفه‎ای است که در این بند برای دولت‎ها اعلام شده است و تصریح دیگری در مورد اقدام کشورها وجود ندارد. به عبارتی نحوه‎ی اجرا و عمل در اختیار دولت‎ها است.

اما مطابق ماده 8 اساسنامه یونسکو کشورهای عضو متعهدند هر زمان و به شیوه هایی که از سوی کنفرانس عمومی یونسکو مشخص می شود، در خصوص قوانین و مقررات و نیز آمارهای مربوط به اقدامات متخذه برای اجرای توصیه های به عمل آمده به این سازمان گزارش دهند. بنابراین توصیه ای بودن این اسناد مانع از درخواست گزارش یونسکو نیست . درنتیجه این اسناد را می توان ازنظر حقوقی در حد اعلامیه دانست. مانند اعلامیه های که مجمع عمومی سازمان ملل منتشر می نماید.

بنابراین بیانیه اینچئون از حیث شکلی اعلامیه ای غیر الزام آور است، اما **این اعلامیه ها بر مبنای اسنادی که به آنها استناد می شود، می توانند ازلحاظ محتوایی الزامات خاصی را برای دولتها به دنبال داشته باشند**. به عنوان مثال بند 11 بیانیه اینچئون صراحتاً به معاهدات، کنوانسیون ها، موافقت‎نامه ها و پروتکل های الزام آوری که چارچوب هنجاری بین المللی مستحکمی را برای حق آموزش بدون تبعیض ایجاد می کند، ارجاع داده است .

## متن حق تحفظ ایران

*“The Islamic Republic of Iran is not committed to those parts of the Framework for Action Education* 2030 *that might in one way or another be interpreted as contradictory to the national legislations and priorities, religious beliefs and cultural values of the Iranian society.”*13

«جمهوری اسلامی ایران خود را متعهد به بخش هایی از «چارچوب اقدام آموزش 2030» که به هر شکلی در تعارض با مقررات و اولویت های ملی، باورهای دینی و ارزش های فرهنگی جامعه ایرانی تفسیر و تعبیر شوند، نمی داند.»

### نتیجه

البته بایستی توجه داشت که هرچند، سند 2030 یك معاهده ی بین المللی تلقی نمی شود اما در عصر حاضر در دکترین حقوقی ،تلاش های عمده ای به منظور بسط و تسری کنوانسیون بین المللی حقوق معاهدات 1969 میلادی بر سایر اسناد بین المللی ازجمله قطعنامه ها و اسناد سازمان های بین المللی آورده شده است .

**البته که حق شرط اعمال شده بر یك سند بین المللی من‎جمله سند 2030 نمی تواند باهدف و موضوع معاهده در تعارض باشد و حق شرط ج. ا. ا نیز از این قاعده مستثنی نمی باشد.**

### سوال

با توجه به اینکه بیانیه در چندین نوبت به «ملاحظات و حساسیت های مهم موجود در سند» اشاره نموده است -که کلیت انتقادات منتقدان به ماهیت و محتوای سند را تأیید می کند و برای توجیه آن به مسئله تحفظ اشاره می نماید، این پرسش مهم مطرح می شود که:

چرا در هیچ قسمت از سند ملی نسبت به تفسیر بومی بندهای ماهوی اقدامی صورت نگرفته و صرف اشاره به تحفظ دوخطی دولت در یك متن 322 صفحه ای، عیناً برای اجرا به مجریان سند در داخل ابلاغ گردیده است؟

### پاسخ

تنها پاسخی که می توان مطرح کرد، ادعایی است که دبیر کمیسیون ملی یونسکو ایران مطرح کرد و گفت: «این سند ویرایش اول است که بعد از اعمال نظرات کارشناسان متعدد و تنظیم ویرایش نهایی به صورت لایحه توسط دولت به مجلس می رود تا به عنوان مصوبه قانونی برای اجرا ابلاغ شود» یا جناب آقای فرهادی -وزیر محترم علوم -که ادعا کرده است «حاصل اقدام 32 کارگروه ملی، یك «پیشنویس اولیه» در این خصوص بود و نهایی شدن آن قطعاً به جمع آوری دیدگاه ها و نظرات صاحبنظران و دستگاه های اجرایی ذیربط موکول شد.»

### اشکال

این در حالی است که مصوبه هیات وزیران با امضای معاون اول رئیس جمهور، نشان دهنده آن است که سند به دستگاه‎ها برای اجرا ابلاغشده و بنای بر طرح در مجلس یا اصلاح وجود نداشته است و بیانیه ما نحن فیه دولت نیز ادعای طرح سند در مجلس را ندارد؛ بنابراین سوگمندانه باید گفت دولت محترم ولو به صورت شکلی نسبت به سند مادر اعلام تحفظ نموده باشد- که نشان دهنده وقوف بر اشکالات جدی سند 2030 بوده است، آن را در محتوای سند ملی اعمال ننموده است تا منویات سند جهانی بدون هیچگونه تغییری در وزارت آموزشوپرورش و علوم و فناوری اجرا گردد.

### اشکال به تحفظ

**اگر ادعای دولت مبنی بر ارائه تحفظ را بپذیریم ،متأسفانه این تحفظ کلی بوده و مشخص نمی نماید که جمهوری اسلامی ایران با کدام بخش از سند 2030 مخالف است**

### تجربه قبلی از تحفظ ناقص

از سوی دیگر با توجه به **رویه بین المللی**- که دولت نیز بدان واقف است- بر همین اساس است که برخی از دولت های عضو کنوانسیون حقوق کودك-که در بیانیه دولت بدان استناد شده است، شرط ایران را نسبت به این کنوانسیون به دلیل کلی بودن آن مغایر هدف و موضوع معاهده تلقی و با آن مخالفت نموده اند. دولت آلمان در 11 اوت 1995 اعلام نمود که با توجه به مبهم بودن شرط ایران، آن را مغایر با الزامات ناشی از حقوق بین الملل دانسته و با آن مخالف است اما مخالفت آن مانع از لازم الاجرا شدن کنوانسیون حقوق کودك در روابط میان دو دولت نیست و با این وجود، منافع مشترك دولت ها ایجاب می کند که هدف و موضوع معاهداتی که عضویت آن را پذیرفته اند، مورداحترام باشد. دولت ایرلند نیز در 5 سپتامبر 1995 اعلام می کند که حق شرط ایران این مشکل را برای دولت های عضو کنوانسیون به دنبال دارد که نمی دانند جمهوری اسلامی ایران کدامیك از مواد را نمی خواهد اجرا کند و بنابراین حدود و قلمرو تعهدات دولت شرط گذار معلوم نیست.

اکثر دولت های مخالف شرط ایران اعلام داشته اند که مخالفت آنها مانع از لازم الاجرا شدن کنوانسیون در روابط فیما بین نیست.

بااین وجود، لزوم احترام به هدف و موضوع معاهده را یادآور شده و شرط ایران را بی اعتبار تلقی نموده اند.

### پیشنهاد

این استدلال بدین معنا نیست که دولت نباید در این اجلاس شرکت می کرد بلکه بدین معناست که لازمه تحقق بند الف بیانیه دولت یعنی «توجه به پتانسیل های همکاری بین المللی در پیگیری اهداف مشترك توسعه ای» آن بود که دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد گروه کشورهای همفکر، نسبت به اصل بیانیه و روح حاکم بر آن اعلام مخالفت می نمود و یا در راستای «حفظ استقلال و اختصاصات فرهنگی»، موارد مغایرت بیانیه با ارزش ها و اسناد بالادستی جمهوری اسلامی را به صورت دقیق و در قالب حق تحفظ اعلام می نمود. این امر هیچ منافاتی با آنچه بیانیه دولت «استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای حضور فعال و ارزش آفرین در عرصه توسعه بین الملل» و استفاده از «فرصت گفتگو، تعامل و تأثیرگذاری بر سیاستهای جهانی برای معرفی اختصاصات فرهنگی نظام جمهوری اسلامی» اعلام نموده نداشته بلکه کاملاً در راستای آن است.

### اشکال

 ازجمله ایراداتی که در مورداجرای سند وجود دارد **عدم تدوین نسخه داخلی این سند متناسب با شرایط فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی ما** است که با توجه به تأکید سند مبنی بر مدنظر قرار گرفتن وضعیت خاص فرهنگی و اجتماعی هر اقلیم به نظر می رسد دچار **تعجیل در اجرای سند** شده ایم و بدون تدوین بومی سازی شده سند اقدام به اجرای آن کرده ایم که درنتیجه امکان ناهماهنگی و تفسیرهای مختلف از سند توسط دستگاه های مجری وجود دارد که حتی از سوی مقامات دولتی نیز به وجود این ایراد اذعان شده است.

## نقش مجلس

اسناد غیر الزام آور حقوقی هم چون بیانیه اینچئون و سند 2030 اگرچه ایجاد الزام مطلق بر دولت ها نمی نمایند اما الزام نسبی را بر آنها بار می نمایند.

از سوی دیگر، برخی از اصول مندرج در این اسناد آنچنان در اسناد پیشین بین المللی تکرار شده است و جامعه بین المللی بر آن صحه گذاشته است که زمینه ی ایجاد یك قاعده عرفی بین المللی را ایجاد نموده است.

مطابق تبصره 3 قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (85) و (138) قانون اساسی؛ مصوبات دولت و کمیسیونهای مربوط در مورد اصل هشتاد و پنجم (85) و یكصد و سی و هشتم (138) قانون اساسی باید ظرف یك هفته از تاریخ تصویب ضمن ابلاغ، برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.

**رئیس مجلس** نظر خود را در موردبررسی هیات تطبیق اینگونه بیان نمود:

«مصوبه 2030 در هیأت تطبیق مصوبات ازنظر **شکلی** موردبررسی قرار گرفت و مغایرتی با قانون ندارد.»

مطابق قانون مذکور رئیس مجلس( به واسطه بازوی مشورتی خود یعنی هیات تطبیق) مصوبات دولت را از حیث مغایرت با متن و روح قوانین بررسی می نماید و هیأت دولت مکلف است به درخواست وی سوابق و اطلاعات و متن مذاکرات هیأت دولت و کمیسیون های مربوطه را در اختیارش قرار دهد. این مقام می تواند از وجود کارشناسان خبره در رشته های مختلف حقوقی، مالی، اداری و غیره (بدون ایجاد ردیف سازمانی) به عنوان عضو هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین استفاده کند.

با توجه به اینکه قانون مذکور درجایی اشاره به بررسی شکلی یا محتوایی مصوبات ننموده است باید اذعان نمود (اگرچه اصل بر عدم صلاحیت مقام اداری است) موارد بالا (عدم مغایرت با روح قوانین، استفاده از خبرگان و بررسی مذاکرات هیات دولت) هیچیك مؤید بررسی شکلی مصوبات دولت نیست و از این لحاظ عملکرد دولت به شدت قابل نقد است.

بعلاوه مجلس شورای اسلامی وفق ماده 63 قانون پنجساله برنامه ششم توسعه دولت را مکلف به اجرای سند تحول بنیادین آموزش وپرورش نموده است به نحوی که کلیه اقدامات وزارت آموزش وپرورش بر اساس این سند انجام شود و اقدامی مغایر با قانون و سند صورت نگیرد.

## حق بر آموزش

### الف) اقدامات یونسکو در زمینه حق بر آموزش

**برای واژه آموزش در اسناد بین المللی تعریفی مشاهده نمی گردد** بااینحال در رویه قضایی و دکترین بعضاً تعاریفی برای آن مشاهده میگردد

جدیدترین سند یونسکو در زمینه حق بر آموزش تا به امروز ،سند آموزش 2030 و توسعه پایدار چهار می باشد. ازجمله سند توسعه پایدار چهار درصدد تضمین بهره مندی کامل از حق بر آموزش به عنوان یکی از حقوق بنیادین برای تحقق توسعه پایدار می باشد. این سند به همراه سند آموزش 2030 درصدد «تضمین کیفیت آموزشی جامع و منصفانه و ترویج فرصت های آموزشی برای همه» می باشند.

### ب) الزامات حق بر آموزش از منظر یونسکو

**1**)توسعه پایدار

**2**)تساوی جنسیتی

راهبرد یونسکو در زمینه تساوی جنسیتی مبتنی بر **سه هدف اصلی** یعنی **ادغام دانش**، **ایجاد مشارکت**، **دفاع و توسعه سیاست** می باشد.

چارچوب اقدام داکار سنگال در سال 2000، شش هدف عمده را دنبال می نمود:

1. توسعه مراقبت ها و آموزش های دوران کودکی؛

2. ارائه ی آموزش ابتدایی رایگان و اجباری برای همه؛

3. ارتقای مهارت های یادگیری و زندگی برای جوانان و افراد بالغ؛

4. توسعه ی سواد افراد بالغ تا 52 درصد مخصوصاً برای زنان؛

5. تحقق توازن جنسیتی تا 2005 و برابری جنسیتی تا 2015 میلادی؛

6. بهبود کیفیت آموزش.

 بنابراین همانگونه که دیده می شود، تساوی جنسیتی یکی از اهداف ششگانه این برنامه بوده است.

**3**)همكاری نمودن با سازمانهای مردم نهاد

یکی از مؤلفه ها در زمینه ی حق بر آموزش در یونسکو تأکید زیاد آن بر همکاری با سازمان های مردم نهاد می باشد این موضوع می تواند به ویژه در کشورهایی مانند ج.ا.ایران که آموزش اصولاً یك امر حاکمیتی تلقی میشود، **منافی با مباحث امنیت ملی و حاکمیت داخلی** تلقی گردد.

#### 4)عدالت آموزشی

#### 5)فراتر بودن از محدودیت های مذهبی، فرهنگی و ملی

بر اساس اظهارنظر تفسیری شماره 1 کمیته حقوق کودك ملل متحد در ارتباط با ماده 29 کنوانسیون حقوق کودك راجع به حق بر آموزش، بایستی محدودیت های مذهبی، ملی و فرهنگی از حق بر آموزش حذف گردد به جای آن بر مدارا، دوستی و فهم مشترك در حق بر آموزش تأکید شود.

به قیاس اولویت می توان فهمید که زمانی که نبایستی در برقراری امکانات آموزشی برای همه ،محدودیت های مذهبی، فرهنگی و ملی را دخیل داد در نحوه ارائه ی آموزش به طریق اولی چنین محدودیتی نبایستی لحاظ نمود.

### ج) حق بر آموزش در اسناد یونسکو و سند تحول بنیادین آموزش وپرورش

### مبانی و هدف آموزش

##### نگاه به انسان

**یونسکو**: «**انسان**» مبنای حق بر آموزش در اسناد یونسکو معرفی میگردد. (انسان محوری، اومانیسم)

**سند تحول**: سند تحول بنیادین آموزش وپرورشِ مشِخصه اصلیحیات طیبه راتکیهبرارزشغاییزندگی**قربالی الله**ونظاممعیارمتناسبباآنیعنیمبانیو ارزشهایمقبولدیناسلام میداند و انطباقهمه یابعاد زندگیبانظام تقوا را کهنقطهاوجوحقیقت آندرجامعهجهانیمهدویمحققمی گردد وجهتمایزاساسی حیات طیبه از زندگی **غیردینی (= سکولار)** میداند.

##### چشم انداز

**یونسکو:** تحقّقحقوقبشر،صلحوشهروندیمسئولانه،از سطوحمحلیگرفتهتاسطوحبالاترِجهانی،برقراری تساویجنسیتی،توسعۀپایدارو بهداشت ،آموزش های جامع جنسی( تنظیم خانواده)، تغییر اقلیم و معیشت های پایدار مفاهیمی هستند که اسناد اخیر یونسکو به عنوان چشم انداز و محتوای آموزش در نظر گرفته است.

**سند تحول:** در مقابل سند تحول چشم انداز آموزش را در مفاهیمی همچون تربیت انسانیمؤمنومعتقدبهمعادوآشناو متعهدبهمسئولیت هاووظایفدربرابرخدا، خود،دیگرانوطبیعت...،31 می داند.

**خصائص حق**

**یونسکو:** به شکل کلی به خصائص حق –که حق بر آموزش نیز شامل آن میشود- در اندیشه غربی به شکل مختصر میتوان اینگونه اشاره نمود:

* 1. حق طریقیت دارد و آلی است به عبارتی خادم ارزشهای بنیادین است.
	2. حق فردگرا است و برای حفظ کرامت انسان در برابر جامعه و دولت است.
	3. حق حداقلی است و تمام اقتضائات عدالت را بیان نمیکند.
	4. بیطرفی اخلاقی دارد.

**سند تحول:** در منظر بسیاری از اندیشمندان مسلمان تنها منبع حقوق در اسلام «**اراده تشریعی الهی**» است. چنانچه در رساله حقوق امام سجاد( ع) آمده است.

##### نگاه به جنسیت

**یونسکو:** چنانچه اشاره شد **تساوی جنسیتی** از ارکان اساسی حق بر آموزش در منظر یونسکو است. این عبارت به شکل پرتکراری در اسناد اخیر یونسکو مورد بهره قرارگرفته است.

تأملاتی در مورداستفاده از عبارت «جنسیت( *gender*)» به جای واژه «جنس( *sex*)» وجود دارد.

واژه «جنسیت (*gender*)» به جای واژه «جنس( *sex*)» به کار میرود تا به رسمیت شناختن **تنوع جنسیتی** را ترویج ببخشد.

**جنسیت** می تواند به مثابه اسب تروایی باشد که **حقوق تراجنسی ها** و سایر موضوعات بحث برانگیز را با توجه به چگونگی تفسیر و اجرای آن، با خود به همراه داشته باشد.

**سند تحول:** سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر خلاف عبارت «تساوی جنسیتی» از عباراتی چون **«تفاوت های جنسیتی»** و **«عدالت جنسیتی»** استفاده نموده است.

##### خانواده و اثر آن در آموزش

**یونسکو:** اشاره های مستقیم به حفاظت از «نهاد خانواده» یا نقش تعیین کننده خانواده در اجرای اهداف *SDG* در خلال مذاکرات *SDG* رد شد.

عبارت «خانواده ها( *families*)» در انتها و پس از عبارت های «مدارس امن» و «جوامع منسجم» ذکرشده است (که نشان از اهمیت پایین خانواده در تدوین سند دارد). همچنین در سند آموزش 2030 در 3 بند عنوانی از خانواده آمده است که همچون دستورکار بسیار منفعل و دور از توجه به اثر خانواده در آموزش و توسعه پایدار است

**سند تحول:** سند تحول بنیادین آموزشوپرورش تأکید بسیاری بر نهاد خانواده و اثر آن در آموزش و اثر آموزش در خانواده داشته است

## جهانی سازی و جهانی شدن

### مفاهیم و نظرات؛ جهانی شدن، جهانی سازی

**جهانی سازی:** اگرچه استفاده از دو واژه جهانی سازی و جهانی شدن در نیمه دوم قرن بیستم میلادی (به طور خاص دهه 1962 میلادی به بعد) آغاز گردید، اما به سرعت در دکترین و ادبیات حقوقی و سیاسی بین المللی جای خود را بازنمود. در ابتدا اندیشمندانی مانند اگناسیورامونه ،هانس پیتر مارتن، هارولد شومان، حسن حنفی، محمد عابد الجابری بودند که به اصطلاح **جهانی سازی در مقابل جهانی شدن** اشاره نمودند. ازجمله پیتر مارتن به جای اصطلاح جهانی شدن از اصطلاح «آمریکایی شدن» یا «آمریکای شمالی شدن» جهان استفاده می نماید. ازنظر وی برای نمونه، صادرات کالاها از آمریکای لاتین به اروپا و یا سایر کشورهای توسعه یافته به هیچ وجه توسعه پیدا نکرده است بلکه در سطح سرمایه خرد باقیمانده است. ازنظر آنها، پیشرفت های جدید در ارتباطات، کاهش هزینه های حمل ونقل و تجارت بدون مانع، منجر به ایجاد یك بازار واحد جهانی می گردد و این امر آنها را به سمت این موضوع هدایت می نماید که «دولتها و حکومتها، ناظر «جهانی شدن» هستند و نیروهای واقعی محرك، بازارها هستند.» از سوی دیگر، امروزه دیگر مؤلفه های امنیت ملی در جهانی سازی شامل عبارات سنتی دولت - محورانه نبوده بلکه شامل افراد و گروهها و بازیگران غیردولتی هم چون گروههای تروریستی موافق سیاست های دولت های توسعه یافته و شرکت های چندملیتی نیز می گردد.

 مطابق نگاه آنها، جهان کنونی «جامعه 22 در مقابل 82 می باشد که در آن، تنها 22 درصد جهان برای تولید همه ی آنچه که نیاز است کافی می باشد و باقیمانده ی 82 درصد کاملاً اضافی بوده و بار اضافی هستند. از بین این 22 درصد نیز تنها، پنج درصد بالایی هستند که از ثروتی که از سوی جامعه جهانی تولید می گردد بهره مند می شوند» آنها نهایتاً معتقدند: به دلیل اینکه فرآیند جهانی سازی محصول اقدامات دولت ها است و شناسایی پیامدهای منفی آن بر شرایط اجتماعی و قابلیت دولت برای نگهبانی از نیازهای اساسی شهروندانش ،ایجاب می نماید که رهبران سیاسی، سیاست را بر اقتصاد ترجیح دهند. همین مسئله موجب می گردد، آنها تمامی مشکلات موجود را به دلیل رجحان اقتصاد بر سیاست بدانند.

در این معنا ،جهانی سازی مفهومی مشابه «نئولیبرالیسم» می گردد که در چارچوب آن ،دولت های توسعه یافته - در رأس آن ایالات متحده - درصدد نوعی **استعمار اقتصادی و فرهنگی** کشورهای دیگر می باشند. به نظر این عده، **یکسان سازی فرهنگی و ملی فرهنگ های بومی**، **طراحی نظام جدید بین المللی بر اساس منافع قدرتها** **و کشورهای توسعه** **یافته، نقض حاکمیت دولتها، قدرت یافتن شرکت های چندملیتی و سرنگونی شرکتهای ملی و کوچك از پیامدهای گریزناپذیر جهانی سازی است**.

جهانی سازی که با عناوین دیگری همچون **نظم نوین جهانی** از سوی محافظه کاران ایالات متحده آمریکا مطرح شده است بیان می کند: به دلیل نظم از هم فروپاشیده جهانی، تنها ایالات متحده آمریکا می باشد که با توسعه و ترویج مفاهیمی هم چون لیبرال دموکراسی و سیطره نظامی میتواند این نظم از هم فروپاشیده ی جهانی را تحت سیطره خود بگیرد.

برعکس اهداف اعلان شده ظاهری اما **جهانی سازی درواقع به دنبال تقویت فقر جوامع انسانی و تخریب محیط زیست، ایجاد آپارتاید اجتماعی و توسعه نژادپرستی و تنازع قومی و نژادی و تضییع حقوق زنان میباشد**. به عبارت دیگر، جهانی سازی، پروژهای سیاسی است که به دست کشورهای غربی به خصوص آمریکا طراحی و هدایت می شود و با خود نوعی استعمار فرهنگی به همراه دارد. اگرچه در این دیدگاه می توان جهانی سازی را قسمی از جهانی شدن دانست که معطوف به همگون سازی جهانی است اما در این همگون سازی ،غرب سعی دارد تمامی کشورهای دنیا را با خود همسو کند. در این پروژه، جهان، جامعه و سرزمین واحدی در نظر گرفته می شود که مرکزیت آن آمریکاست و سیاست آن، ایجاد نظمی جدید بر جهان است؛ نظمی که تلاش دارد تمامی فرهنگ ها، ملل و جوامع را بر فرهنگ آمریکایی منطبق کند.

**جهانی سازی خود شش ضلع دارد**:

* بازار آزاد،
* فرهنگ،
* فناوری،
* مبادلات مالی،
* امنیت ملی
* بوم شناسی (اکولوژی)

به عبارت دیگر، ایالات متحده اهداف سیاستی خود را از طریق یکی از این شش ضلع پیاده می نماید. این شش ضلع نشان دهنده ی آن است که جهانی سازی اهداف بسیار بزرگتری نسبت به سرمایه داری که عمده ی تمرکزش بر اقتصاد است؛ داشته و بر موضوعات اساسی دیگر هم چون حقوق بشر و محیط زیست نیز تمرکز دارد اگرچه در موضوع اقتصاد نیز کشورهای درحال توسعه را به سمت نوعی «بردگی اقتصادی» هدایت می نماید به گونه ای که به جای تأکید برافزایش ساختارهای تولیدی بر هویت جهانی واحد در مصرف تأکید می نماید.

جهانی شدن برعکس جهانی سازی، یك مفهوم بی طرف ابتداً اقتصادی و سپس اجتماعی، سیاسی و حقوقی بوده و بیانگر فرآیندی است که تمامی بازیگران بین المللی در آن درگیر و در پیشبرد آن مشارکت می نمایند. به عبارت دیگر، جهانی شدن یك وضعیت جهانی است که مستلزم شبکه هایی از وابستگی متقابل در سطوح فرا قارهای است. این شبکه ها می توانند از طریق جریان ها و نقل و انتقالات سرمایه ،کالاها، اطلاعات و اندیشه ها، مردم و حتی قوای نظامی با یکدیگر مرتبط گردند. از سوی دیگر ،جهانی شدن مفهومی است که بالضروره نمی تواند دارای فاعل و عامل باشد درحالیکه جهانی سازی مفهومی است که لزوماً عامل و فاعل می طلبد. با این اوصاف ،**جهانی شدن فرآیندی است گریزناپذیر که شکل تکامل یافته ی پیشرفت های بشری در حوزه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است** و **جهانی سازی پروژهای است که مشخصاً در راستای تأمین منافع و مسلط کردن ارزش های مورد نظر قدرت برتر در عرصه جهانی بر سایر دولت ها و ملت ها است**.

بنابراین بایستی این دیدگاه را ارائه داد که جهانی شدن یك فرآیند ضروری است و در روند تکاملی حیات اجتماعی بشر، امری است که از سوی بخش یا بخش هایی از جامعه انسانی با مبانی و اهداف مشخص ارائه شده است و دربرگیرنده ی به ویژه موضوع تنوع فرهنگی جوامع می باشد.

### یونسکو و جهانی سازی

اگرچه یونسکو همواره در اسناد خود بر این موضوع تأکید ورزیده است که فعالیت های یونسکو ،نمی تواند مخل روابط بین دولتها به عنوان بازوی اصلی فعالیت های جهانی گردد اما مشاهده ی واقعیت های موجود ،نشان دهنده ی آن است که اکثر کشورهای توسعه یافته و به ویژه ایالات متحده از طریق کمك های عمده مالی خود ،توانسته اند اهداف و اولویت های سیاستی خود را از طریق درج در اسناد یونسکو بر دول عضو – به ویژه دولت های غیرهمساز مانند جمهوری اسلامی ایران- تحمیل نمایند. اگرچه، بسیاری از اندیشمندان غربی بر این نکته تأکید می ورزند که خروج ایالاتمتحده در ژانویه 1985 و بریتانیا در ژانویه 1986 خود نشان دهنده ی اتخاذ موضع مستقل از یونسکو بوده است؛ بااینحال با تدقیق در اسناد یونسکو ادعای بالعکس آن مشاهده می گردد به گونه ای که توجه مطلوبی به موضوع بومی سازی مشاهده نمی گردد

### تهدیدهای جهانیسازی در حوزه فرهنگ

تهدیدات نسبت به نقش دولت و امکان تهاجم فرهنگی خارجی که ممکن است منجر به هژمونی فرهنگ های خاص و گسترش رفتار جدید و بیگانه در جوامع کشورهای درحال توسعه شود یکی از آثار نامطلوب جهانی سازی در حوزه فرهنگ می باشد

**مسئله ی جهانی سازی در یونسکو عمدتاً از طریق توسعه پایدار دنبال می شود.** عبارت جهانی شدن البته در چندین سند یونسکو به کاربرده شده است که جمهوری اسلامی ایران نیز بدان پیوسته است.

تصمیمات یونسکو در ارتباط با جهانی سازی توانسته است به ویژه در سطح کشورهای عرب منطقه خاورمیانه به عنوان دولت های مسلمان تأثیرات زیادی بگذارد.

این مسئله از جهات متفاوتی قابل تامل است:

1. اگرچه دولت موظف به برقراری ارتباطات دیپلماتیك است و توسعه روابط دیپلماتیك مرهون پذیرش و اجرای اعلامیه ها و اسناد بین المللی است اما پذیرش این اسناد نباید موجبات سایش حاکمیت کشور را فراهم نماید. دولت باید در نظر داشته باشد که حتی باحق تحفظ نسبت به مفاهیم مبهم و غیرقابل قبول با عدم جبهه گیری مستحکم در برابر این مفاهیم کمك کرده است تا مفاهیم مذکور مسیر خود را به سمت تبدیل شدن به عرف بین المللی طی نمایند. چنانچه اعلامیه حقوق بشر و مفاهیم آن چنین مسیری را طی نمودند.

شاید بهترین عملکرد ایجاد جبهه همفکر از کشورهایی با ایده های مشترك باشد تا اعلامیه هایی اینگونه با اجماع جهانی مواجه نشوند.

1. نباید مسئله جهانی سازی را فراموش نمود. اگرچه این پدیده از اقتصاد وارد ادبیات سیاسی شد اما امروزه در حوزه فرهنگ و اجتماع نیز ریشه دوانده است. ادبیات مشترك فرهنگی در بسیاری از موارد یك پارادوکس مطلق ا ست که منجر به شکسته شدن مرزهای فرهنگی بعضی کشورها می شود . بهترین تحلیل برای بیانات مقام معظم رهبری شاید همین توجه به جهانی سازی و تهدیدهای آن برای فرهنگ کشور باشد.
2. استقلال کشور یك مسئله ملی است و به نهادی خاص مرتبط نمی شود . نمی توان آن را صرفاً از دولت طلب نمود. بر همین اساس استدلالهای خشك حقوقی مانند اینکه «اعلامیه احتیاج به تصویب مجلس ندارد » اگرچه در ادبیات معمول بسیار مقبول و منطقی به نظر می رسند اما از روح حقوق و نظام حقوقی به دور هستند؛ بنابراین در مسائلی اینچنینی باید راه حل هایی دقیقتر و منسجمتر در نظر گرفت.
3. فرایند سند 2030 اگرچه با ورود مقام معظم رهبری و بررسی شورای عالی انقلاب فرهنگی اجمالاً متوقف شده است اما خلأهای بسیاری را در نظام حقوقی ما نشان داد:

الف) چرا کانالی حقوقی و قانونی برای صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در بررسی چنین اسنادی وجود ندارد؟

ب) چرا ساختاری منطقی و مبتنی بر مصالح نظام جهت پذیرش، عدم پذیرش، مذاکره و هر اقدام دیپلماتیك دیگری وجود ندارد؟

ج) آیا رئیس مجلس باید مصوبات دولت را شکلی مورد نظارت قرار دهد؟

د) در برابر فرسایش حاکمیت ملی به واسطه اسناد بین المللی چه اقدامی باید صورت پذیرد؟